

## میانجی‌گری سبک‌های کنترل تعارض، در رابطه فضایل و رضایت زناشویی

### Mediation of Conflict Handling Styles in the Relation between Virtues and Marital Satisfaction

*H. Naderi, Ms.C.*

*H. Pourshahryar, Ph.D.*

*O. Shokri, Ph.D.*

حسین نادری ✉

کارشناس ارشد روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی

دکتر حسین پورشهریار

استادیار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

دکتر امید شکری

استادیار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۹۳/۶/۲۳

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۴/۱۰/۱۳

پذیرش مقاله: ۹۴/۱۰/۲۰

#### Abstract

Despite awareness of the adjusted conflict tactics, sometimes there is no motivation for proper behavior. It is expected that virtues increase the likelihood of adaptive behaviors by affecting motivation for ethical behaviors.

This research studied the relation between marital satisfaction, character and its underlying virtues that are the internal elements necessary for adjusted life from a positive psychology perspective.

#### چکیده

گاه علی‌رغم آگاهی از شیوه‌های تعارضی سازگارانه، انگیزه‌ای برای رفتار مناسب احساس نمی‌شود. انتظار می‌رود تا فضیلت‌ها با تأثیر بر انگیزش برای رفتار اخلاقی، بر احتمال رفتارهای سازگارانه بیفزایند. پژوهش حاضر به بررسی رابطه منش و فضایل خانوادگی، منابع خانوادگی و بینش مشترک زیربنایی آن که از دیدگاه روان‌شناسی مثبت، عناصر درونی لازم برای داشتن یک زندگی سالم هستند، با رضایت زناشویی پرداخته است؛ در این راستا، سبک‌های کنترل تعارض زوجین واسطه‌ای فرض

✉ Corresponding author: Dept. of Psychology, Psychology & Education Faculty, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.  
Tel: +98-09119591778  
Email: [hoseinaderi@gmail.com](mailto:hoseinaderi@gmail.com)

✉ نویسنده مسئول: تهران، اوین، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده روان‌شناسی  
تلفن: ۰۹۱۱۹۵۹۱۷۷۸  
پست الکترونیکی: [hoseinaderi@gmail.com](mailto:hoseinaderi@gmail.com)

It is assumed that spouse's conflict handling styles is a mediator that play a role between character, virtues, and marital satisfaction. In a correlation plan, the married university students living in dormitories were asked to complete three questionnaires: Character Strengths, Conflict Management Style, and Marital Satisfaction. Finally, the data was analyzed based on SEM method.

The courage and transcendence are found as predictors of marital satisfaction and adaptive conflict handling tactics; The Humanity doesn't show a significant relationship with satisfaction. Results also support the mediating role of adaptive conflict handling styles in relation between virtues and satisfaction. It seems that marital satisfaction stems basically from the individual's inner characteristics rather than love between spouses. Virtues affect marital outcomes through their impact on spouses' interaction styles during conflicts. Clinical implications of these results are discussed as suggestions for family therapy interventions based on a positive perspective.

**Keywords:** Character Strengths, Virtues, Conflict Handling Styles, Marital Satisfaction.

می‌شود که فضایل را با رضایت زناشویی پیوند می‌دهد. طی یک طرح همبستگی، دانشجویان ساکن در خوابگاه‌های متأهلی چند دانشگاه، با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و پرسش‌نامه‌های توانمندی‌های منشی، رضایت زناشویی، و سبک‌های کنترل تعارض را تکمیل نمودند؛ داده‌ها با روش مدل‌یابی معادلات ساختاری تحلیل شد.

شجاعت و تعالی، پیش‌بین رضایت زناشویی و سبک‌های کنترل تعارض سازگارانه هستند، اما انسانیت رابطه معنی‌داری با رضایت ندارد. سبک‌های کنترل تعارض سازگار، در رابطه فضایل و رضایت‌مندی میانجی‌گری می‌کنند. رضایت زناشویی بیشتر از آن‌که ناشی از عشق میان همسران باشد، ریشه در ویژگی‌های درونی فرد دارد. فضایل با تأثیر بر شیوه‌های تعامل زوجین در حین تعارض، بر پیامد ازدواج مؤثرند؛ تلویحات این نتایج برای مداخلات درمانی در خانواده‌درمانی مثبت، مورد بحث قرار گرفته است.

**کلیدواژه‌ها:** توانمندی‌های منشی، فضایل، سبک‌های کنترل تعارض، رضایت زناشویی.

## مقدمه

رشد پژوهش‌هایی که از دیدگاه‌های مختلف به رضایت زناشویی و عوامل مؤثر بر آن پرداخته‌اند، در دو دهه گذشته بی‌نظیر بوده است (فینچام و بیچ<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰). بر اساس یافته‌های این پژوهش‌ها

درمانگران به آموزش شیوه‌های سازگارانه‌تر کنترل تعارض به زوج‌ها، جهت افزایش رضایت آن‌ها از رابطه پرداخته‌اند؛ با این وجود به نظر می‌رسد، توده بزرگ اطلاعات حاصل از این پژوهش‌ها، آن‌گونه که باید، نتوانسته است از نرخ ناسازگاری‌ها بکاهد؛ نرخ‌های جدایی در جهان هم‌چنان در حال افزایش‌اند (لیگت، رابرتز - پیتمان، بیزک و مورس<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲؛ نوربالا<sup>۳</sup>، ۱۳۹۰؛ سازمان ثبت احوال کشور<sup>۴</sup>، ۱۳۹۴). این واقعیت نشان از نیاز به رویکردهایی جدیدتر به زندگی زناشویی دارد (لیگت و دیگران، ۲۰۱۲). بدیهی است علاوه بر دانستن شیوه‌های مناسب رفتار، ابراز رفتار سازگارانه در برابر اختلافات، به انگیزه درونی فرد برای به‌کارگیری مهارت‌هایش نیز وابسته است. این واقعیت می‌تواند راهنمایی به سوی زوایای جدید برای نگرستن به مشکلات زناشویی باشد: تمرکز بر انگیزه‌های درونی مثبت. در طول تاریخ بشر، تأکید بر انگیزه‌های مثبت درونی نسبت به وجوه متعدد زندگی، از رهگذر ترویج فضایل انسانی صورت گرفته و سعادت دنیوی و اخروی فرد، منوط به پروردن این فضایل در خود دانسته شده است. با این حال منش نیکو هم‌چنان که مفهومی قدیمی و معمول بود، به دلایل مختلف از دانش جدید جدا مانده و از عرصه پژوهش‌های علمی طرد شده است؛ به این ترتیب، با وجود پیشرفت وسیعی که در دانش خانواده صورت گرفته، امروز نیاز به توجه به منش مثبت در پژوهش‌های علمی دوباره احساس شده است (سلیگمن<sup>۵</sup>، ۲۰۰۲). مطالعه تأثیر فضایل مختلف بر کیفیت زندگی زناشویی، چارچوبی است که در پژوهش حاضر برای نگرستن به مسائل زناشویی برگزیده شده است.

یک نوع از رویکردها به انگیزه‌های درونی مثبت، از جانب روان‌شناسی مثبت بوده است؛ عرصه‌ای که به جای تمرکز بر ناهنجاری‌ها، به ویژگی‌های مثبت و تقویت آن‌ها می‌پردازد و به جای این‌که سلامت را در فقدان علائم اختلال ببیند، اختلال را کمبود توانمندی‌های مثبت می‌داند (پیترسون<sup>۶</sup> و سلیگمن، ۲۰۰۴). در سال‌های اخیر، روان‌شناسی مثبت، با الهام از راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی (DSM) و به دنبال تدوین یک راهنما برای سلامت روان<sup>۷</sup>، و برای رسیدن به درکی روشن‌تر از تجربیات درونی مثبت، پروژه طبقه‌بندی توانمندی‌های منشی (VIA)<sup>۸</sup> را مطرح کرده است. از دیدگاه روان‌شناسی مثبت، توانمندی‌ها عناصر درونی لازم برای خلق فضیلت‌های<sup>۹</sup> انسانی هستند (پارک<sup>۱۰</sup>، پیترسون و سلیگمن، ۲۰۰۴؛ پیترسون و سلیگمن، ۲۰۰۴). پژوهش‌های مختلف، آثار مثبت تمرکز متخصصین بر توانمندی‌ها را در پیش‌بینی و بهبود مشکلات روانی، خانوادگی و زناشویی، در آموزش و پرورش و... نشان داده است (پیترسون و سلیگمن، ۲۰۰۴). نتایج پژوهش‌های سلیگمن و دیگران نشان می‌دهد که تفاوت‌های فردی در توانمندی‌ها، بخشی از پراکندگی رضایت‌مندی افراد مختلف از زندگی را تبیین می‌کند؛ داشتن میزان بالاتری از این توانمندی‌ها با بهزیستی<sup>۱۱</sup>، شادکامی<sup>۱۲</sup>، موفقیت بیشتر و نشانه‌های افسردگی کمتر همراه است (پارک و همکاران، ۲۰۰۴؛ پارک و پیترسون، ۲۰۰۶a؛ کوروتکف و گادبوت<sup>۱۳</sup>، ۲۰۱۴؛ مکاسکیلا و دنووان<sup>۱۴</sup>، ۲۰۱۵). در

واقع یکی از ملاک‌های اصلی که یک توانمندی بنا به تعریف باید داشته باشد، تأثیر گسترده آن در کسب رضایت‌مندی، شادکامی برای فرد و دیگران و تحقق فردی<sup>۱۵</sup> است (پیترسون و سلیگمن، ۲۰۰۴). امید و اشتیاق بر اساس تحقیقات بسیاری، روابط قوی با رضایت از زندگی دارند (مارتینز-مارتی و راج<sup>۱۶</sup>، ۲۰۱۴؛ باسچر، پرایر<sup>۱۷</sup> و راج، ۲۰۱۳). پژوهش‌های اخیر، اهمیت توانمندی‌ها را در روابط عاشقانه و انتخاب همسر نیز نشان داده است (وبر<sup>۱۸</sup> و راج، ۲۰۱۲)؛ طبق این پژوهش‌ها، در مرتبه نخست توانمندی‌های منشی فرد و در مرتبه بعد، شباهت توانمندی‌های همسران و شدت توانمندی‌های مهم در همسر است که واریانس رضایت از زندگی را میان افراد تبیین می‌کند. هم برای مردان و هم زنان، صداقت<sup>۱۹</sup> مهم‌ترین و بارزترین توانمندی است که از یک همسر ایده‌آل انتظار می‌رود؛ بعد از آن، شوخ‌طبعی و عشق مهم‌ترین هستند (استین<sup>۲۰</sup>، ۲۰۰۳؛ وبر و راج، ۲۰۱۲). توانمندی‌ها در انتخاب همسر، در میزان تعارض و رضایت از زندگی کلی در هر یک از زوج‌ها نقش دارند (وبر و راج، ۲۰۱۲؛ استین، ۲۰۰۳؛ پیرس، چویی کووا، رامسی و گالیاتدینووا<sup>۲۱</sup>، ۲۰۱۰؛ لینلی، مالتبی، وود، جوزف، هارینگتون<sup>۲۲</sup>، پترسون، پارک و سلیگمن، ۲۰۰۷).

در واقع اگرچه پژوهش‌های صورت گرفته، تاکنون توانمندی‌ها را مستقیماً در کنار سازه رضایت زناشویی قرار نداده‌اند، اما توانمندی‌ها تا مرزهای رضایت زناشویی رسیده و به شکل غیر مستقیم، معادل و کلی، به آن‌ها پرداخته است؛ از این رو تأثیر توانمندی‌ها در رضایت زناشویی بسیار محتمل به نظر می‌رسد. اما توانمندی‌های همسران، از چه طریقی و چگونه برای کیفیت رابطه آن‌ها تعیین کننده است؟ مرور پژوهش‌ها نشان می‌دهد که به سبک‌های کنترل تعارض بین فردی می‌توان به عنوان یک میانجی‌گر نگرینست (گیست و گیلبرت<sup>۲۳</sup>، ۱۹۹۶؛ اسکنیوبند و گرهارد<sup>۲۴</sup>، ۲۰۰۲؛ سیرو و هرزبرگ<sup>۲۵</sup>، ۲۰۱۲)؛ این نقش واسطه‌ای شیوه‌های کنترل تعارض، به خاطر جایگاه خاص آن در میان سایر متغیرهای این حیطة است؛ سبک‌های کنترل تعارض از یک طرف از ویژگی‌های فردی تأثیر می‌پذیرد و از سوی دیگر، خود بر پیامدهای ازدواج تأثیر می‌گذارد؛ به عنوان مثال، روان‌آزرده‌خویی با تأثیر مخربی که بر چگونگی مواجهه زوجین با منابع استرس‌زا طی زندگی روزمره دارد (کارنی و بردبری<sup>۲۶</sup>، ۱۹۹۷)، منجر به الگوهای ارتباطی مخرب در همسران و ابراز عواطف منفی بیشتر بین آن‌ها می‌شود (کاگلین، هوستون و هوتز<sup>۲۷</sup>، ۲۰۰۰).

هم‌چنین طبق بعضی پژوهش‌ها، برون‌گرایی با سبک‌های کنترل تعارض رقابتی رابطه مثبت و با سبک‌های اجتنابی ارتباط منفی معناداری دارد (والری و پاول<sup>۲۸</sup>، ۲۰۰۸). در این زمینه پژوهش‌ها فراوان است و متغیرهای بسیاری چون صفات شخصیتی، سبک‌های دلبستگی، خوش‌بینی، جهت‌گیری دینی، ارزش‌های فردی و... در تعیین شیوه‌های تعارضی تعیین‌کننده دانسته شده‌اند؛ بنابراین به نظر می‌رسد گرایش‌های فردی، منجر به سبک‌های ترجیحی برای روبه‌رو شدن با تعارض می‌شود. از طرفی، شیوه‌های تعارضی همسران، یکی از مهم‌ترین شاخص‌های پایداری رابطه و رضایت

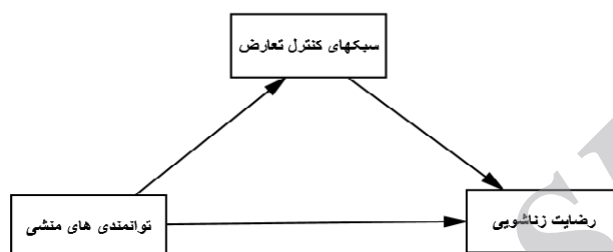
از آن است (سیراو و هرزبرگ، ۲۰۱۲). اکثر تئوری‌های تأثیرگذار درباره ازدواج، پریشانی<sup>۲۹</sup> زندگی مشترک را، حاصل پاسخ آزارنده و غیرمؤثر زوجین به تعارض می‌بینند؛ به علاوه، مداخلات روان‌شناختی برای زوج‌های پریشان نیز اغلب، مهارت‌های کنترل تعارض را هدف قرار می‌دهند (فینچام، ۲۰۰۳؛ اولیاء، فاتحی‌زاده و بهرامی<sup>۳۰</sup>، ۱۳۸۵). در واقع اطلاعات وضعیت تعارضی زوجین، معمولاً اولین و گاهی تنها پیش‌بین پیامد رابطه در کوتاه‌مدت و بلندمدت است (گراپر، لارنسی، میگا، چانگو و کوون<sup>۳۱</sup>، ۲۰۱۱).

اگر توانمندی‌های منشی جزء ویژگی‌های فردی است (پیترسون و سلیگمن، ۲۰۰۴)، بنابراین انتظار می‌رود تا در رابطه آن با رضایت زناشویی نیز، سبک‌های کنترل تعارض، تبیین‌کننده باشد. یکی از جنبه‌های رفتار تعارضی که از طرف بیشتر مؤلفین برای پیامد رابطه مهم قلمداد شده است، اهمیت به خواسته‌های خود در برابر اهمیت به خواسته‌های همسر است (سیلارز<sup>۳۲</sup>، ۱۹۸۰؛ گاتمن و لونسون<sup>۳۳</sup>، ۱۹۹۲؛ مکی، دیمر و ابرین<sup>۳۴</sup>، ۲۰۰۰؛ پالیری، ریگالیا<sup>۳۵</sup> و فینچام، ۲۰۱۰)؛ به نظر می‌رسد این بعد رفتار تعارضی، از نظر مفهومی با بعضی از فضایل و توانمندی‌ها نیز در ارتباط است؛ به عنوان مثال، بازداری امیال در رابطه و زندگی مشترک که به گونه‌ای با فضیلت اعتدال مرتبط است، در راستای توجه و رسیدگی به نیازهای همسر ضروری است. یک بعد دیگر رفتار تعارضی، مربوط به گفت‌وگو و تبادل اطلاعات میان زوجین هنگام تعارض است (استراوس<sup>۳۶</sup>، ۱۹۷۹؛ سیلارز، ۱۹۸۰؛ گاتمن، ۱۹۹۳؛ فیتزپاتریک<sup>۳۷</sup>، ۱۹۸۴).

عدم تمایل به گفت‌وگو و تبادل مستقیم اطلاعات در زمینه تعارض، از طرفی با افزایش تنش و ناراضیتی در رابطه همراه است (سیلارز، ۱۹۸۰) و از سوی دیگر یادآور فضیلت شجاعت نیز هست؛ شجاعت که نمایانگر وجود اراده برای تحقق اهداف در مواجهه با انواع تعارض‌هاست، توانمندی‌هایی مانند صداقت و جرأت را در بر دارد (پیترسون و سلیگمن، ۲۰۰۴). بدیهی است لازمه ابراز احساسات و افکار مغایر با همسر هنگام تعارض، داشتن حدی از جسارت است (جرأت)، و بیان صریح و مستقیم نیازها، عدم تظاهر را می‌طلبد (صداقت). بعد مهم دیگر رفتار در برابر تعارض، مربوط به هیجان‌هاست (گاتمن، ۱۹۹۳؛ تبری<sup>۳۸</sup> و گاتمن، ۲۰۰۳). توانایی استفاده از عواطف مثبتی مانند شوخ‌طبعی یا علاقه هنگام تعارض، یک پیش‌بین مهم سلامت رابطه در آینده، رضایت و ثبات زناشویی است (گاتمن، ۱۹۹۳؛ گاتمن، کوون، سوانسون و کریر<sup>۳۹</sup>، ۱۹۹۸؛ خوشخرام و گلزاری<sup>۴۰</sup>، ۱۳۹۰؛ پراجر، شیروانی، پوچر، کاوالین، ترانگ و گارسیا<sup>۴۱</sup>، ۲۰۱۵). علاوه بر رابطه‌ای که با پیامدهای ازدواج دارد، بعد عواطف تداعی‌کننده توانمندی‌های گذشت و شوخ‌طبعی نیز هست؛ بر خلاف مقابله به مثل که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های زوج‌های ناسازگار است (راموس<sup>۴۲</sup>، ۲۰۱۵)، گذشت رفتار مثبتی است که مهربانی، ملایمت و دلسوزی را در برابر رفتار آزارنده فرد دیگر می‌نشانند و تعارض‌ها را به سویی مثبت هدایت می‌کند (بویل<sup>۴۳</sup>، ۲۰۱۱؛ توسینت، ورسینگتون و ویلیامز<sup>۴۴</sup>، ۲۰۱۵). در عین حال اگر

ابراز عواطف مثبت در حین تعارض، مدیریت سازگارانه آن را تسهیل می‌کند (گاتمن و همکاران، ۱۹۹۸)، «شوخطبعی» عاملی است که خود تسهیل‌گر این ابراز عواطف مثبت است.

بنا بر شواهد و قرائن فوق، پژوهش حاضر درصدد بوده است تا نقش توانمندی‌های منشی را در پیش‌بینی رضایت زناشویی مورد بررسی قرار دهد؛ این پژوهش، سبک‌های کنترل تعارض بین فردی را به عنوان واسطه‌ای در نظر گرفته که نقش توانمندی‌ها را در رضایت زناشویی تبیین می‌نماید. بر اساس طرح بارون و کنی<sup>۴۵</sup> (۱۹۸۶)، مدل کلی که برای بازنمایی روابط فوق فرض می‌شود به قرار زیر است.



شکل ۱: مدل روابط مفروض میان متغیرهای توانمندی‌های منشی، سبک‌های کنترل تعارض و رضایت زناشویی

### روش پژوهش

این پژوهش در چارچوب طرح‌های توصیفی و همبستگی قرار می‌گیرد. جامعه آماری شامل کلیه افراد متأهل ساکن در خوابگاه‌های متأهلی دانشگاه‌های شهید بهشتی و تهران بوده است. ۲۴۳ نفر با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند که از این تعداد، ۱۳۳ نفر زن (۵۴/۷٪) و ۱۱۰ نفر مرد (۴۵/۳٪)، با میانگین سنی ۲۸/۳ و انحراف استاندارد ۵/۲ سال می‌باشند. طول مدت ازدواج آن‌ها به طور متوسط ۳/۸ سال با انحراف استاندارد ۴/۲۴ سال است؛ ۸۰٪ آن‌ها فاقد فرزند می‌باشند. ۶۹/۱٪ از این افراد دارای تحصیلات در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری و مابقی آن‌ها در مقطع کارشناسی می‌باشند.

### ابزارهای پژوهش

**پرسشنامه کوتاه توانمندی‌های منشی<sup>۴۶</sup>:** از فرم ۲۴ سؤالی پرسش‌نامه که توسط پیترسون (۲۰۰۴) تدوین شده، استفاده شده است. هر کدام از سؤالات که در یک مقیاس شش درجه‌ای از ۱ برای هیچ وقت، تا ۶ برای همیشه، نمره‌گذاری می‌شوند، نماینده یک توانمندی هستند. پرسش‌نامه دارای شش عامل است که هر کدام نماینده یک فضیلت هستند. این عوامل (فضایل) عبارتند از:

خرد، شجاعت، انسانیت، عدالت، اعتدال و تعالی. هر فضیلت از سه تا پنج سؤال را در بر می‌گیرد. علاوه بر این، نمره کل پرسش‌نامه هم منش کلی فرد را نشان می‌دهد. فورنهام با محاسبه آلفای کرونباخ، پایایی درونی ابزار را برای فضایل مختلف، از ۰/۴۸ تا ۰/۷۶ (فرنهام و لستر<sup>۴۷</sup>، ۲۰۱۲) و بویل از ۰/۵۰ تا ۰/۶۷ گزارش کرده است (بویل، ۲۰۱۱). پیترسون (۲۰۰۴) روایی پرسش‌نامه را مناسب توصیف کرده است. تبیک و همکاران نیز روایی و اعتبار فرم فارسی پرسش‌نامه را مطلوب ارزیابی کرده‌اند (تبیک، قربانی و رضازاده<sup>۴۸</sup>، ۱۳۹۲) در این پژوهش آلفای کرونباخ برای خرد ۰/۶۰، شجاعت ۰/۵۱، انسانیت ۰/۵۵، عدالت ۰/۵۰، اعتدال ۰/۵۶، و تعالی ۰/۵۰ و برای کل ابزار ۰/۸۳ می‌باشد (نادری<sup>۴۹</sup>، ۱۳۹۲).

### پرسشنامه ۲۸ آیتمی سبک‌های مدیریت تعارض رحیم (ROCI-II) فرم B: شامل ۲۸

ماده است که در ۵ زیرمقیاس طبقه‌بندی می‌شوند. این پنج زیرمقیاس که در واقع پنج سبک کنترل تعارض هستند، عبارتند از: مشارکت‌جویی<sup>۵۱</sup>، وظیفه‌مداری<sup>۵۲</sup>، سلطه‌جویی<sup>۵۳</sup>، اجتنابی<sup>۵۴</sup> و سازش-جویی<sup>۵۵</sup>. سبک‌های مشارکت‌جویی، سازش‌جویی و وظیفه‌مداری، سبک‌های سازگاران و دو سبک دیگر ناسازگاران محسوب می‌شوند (زارعی، فلاح‌چای و حقیقی<sup>۵۶</sup>، ۱۳۹۰). سؤال‌ها در یک مقیاس پنج درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شوند.

اگرچه این مدل ابتدا برای محیط سازمانی ساخته شده، اما به خاطر ویژگی‌های مثبتی چون مختصر بودن و در بر داشتن تقریباً همه ابعاد مهم در رفتار تعارضی، به تدریج به سایر حوزه‌ها در روان‌شناسی از جمله خانواده و روابط زناشویی راه یافته و با این عرصه‌ها سازگار شده است (ایشی<sup>۵۷</sup>، ۲۰۱۰؛ ژانگ<sup>۵۸</sup>، ۲۰۰۷؛ شی<sup>۵۹</sup>، ۲۰۰۳؛ رحیم، کوفمن و سنیکا<sup>۶۰</sup>، ۲۰۰۴؛ رحیم و بونتزمن<sup>۶۱</sup>، ۱۹۹۹؛ حبیبی، زارعی و قادری<sup>۶۲</sup>، ۱۳۹۱). در پژوهشی که در سال ۱۳۹۰ با استفاده از این پرسش‌نامه بر زوج‌های ایرانی صورت گرفت، توان پرسش‌نامه در سنجش سبک‌های کنترل تعارض زوج‌ها مورد تأیید قرار گرفته است (حبیبی و همکاران، ۱۳۹۱). حبیبی و همکاران (۱۳۹۱).

در پژوهشی بر زوج‌های ایرانی، پایایی فرم ترجمه شده این ابزار را برای خرده‌مقیاس‌ها با استفاده از آلفای کرونباخ از ۰/۷۰ تا ۰/۷۵ و پایایی کلی ابزار را با استفاده از روش تصنیف ۰/۶۸ گزارش کرده‌اند. هم‌چنین همبستگی خرده‌مقیاس‌های این ابزار با پرسش‌نامه CRQ، نشان‌دهنده روایی مطلوب این پرسش‌نامه است (حبیبی و همکاران، ۱۳۹۱). در پژوهش حاضر، آلفای کرونباخ برای عوامل تعیین شده در پرسش‌نامه، این مقدار را برای ۵ عامل از ۰/۶۳ تا ۰/۸۵ به دست می‌دهد. آلفای کرونباخ برای سبک مشارکت‌جویی ۰/۸۵، سبک وظیفه‌مداری ۰/۶۳، سبک سلطه‌جویی ۰/۷۶، سبک اجتنابی ۰/۷۸ و سبک سازش‌جویی ۰/۶۸ می‌باشد (نادری، ۱۳۹۲).

**مقیاس رضایت زناشویی انریچ:** مقیاس زوجی انریچ (ECS)<sup>۶۴</sup> دارای زیرمقیاس‌های متعددی برای جنبه‌های مختلف زندگی زناشویی است که دارای نمرات مجزا بوده و در پژوهش‌های

مختلف، از آن‌ها به طور جداگانه استفاده شده است (آسوده<sup>۶۵</sup>، ۱۳۸۹؛ ال - کرناوی<sup>۶۶</sup>، ۲۰۱۲). در این پژوهش از مقیاس رضایت زناشویی استفاده شده که دارای ۱۰ سؤال است و توسط اولسون، مارشال، گودارد و اسکران<sup>۶۷</sup> در سال ۱۹۸۵ تنظیم شده و در سال ۲۰۱۰ مورد بازبینی قرار گرفته است (آسوده، ۱۳۸۹). مقیاس رضایت زناشویی، رضایت و انطباق افراد را با ده جنبه از رابطه زناشویی شامل: موضوعات شخصیتی، ارتباط زناشویی، حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیت‌های اوقات فراغت، روابط جنسی، ازدواج و فرزندان، اقوام و دوستان، نقش‌های مساوات‌طلبی و جهت‌گیری مذهبی اندازه‌گیری می‌کند (آسوده، ۱۳۸۹). در بررسی اولسون، پایایی درونی مقیاس با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۶ گزارش شده است.

پژوهش‌های متعدد دیگر نیز این مقدار را حدود ۰/۸۸ تا ۰/۸۹ محاسبه کرده‌اند (ال - کرناوی، ۲۰۱۲). در پژوهش بر نمونه زوج‌های ایرانی، صادقی<sup>۶۸</sup> (۱۳۸۹) ضریب آلفای فرم ترجمه را ۰/۹۱ و آسوده (۱۳۸۹) ۰/۶۸ به دست آورده است. در این پژوهش، آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۱ محاسبه شده است. از آن‌جا که ماده ۲۷ درباره والدگری است و گروه نمونه در این پژوهش زوج‌هایی هستند که اکثراً فاقد فرزند می‌باشند، با حذف این پرسش، آلفا مجدداً و بدون در نظر گرفتن این سؤال محاسبه گردید؛ مقدار آلفای جدید معادل ۰/۷۹ است که قابل قبول می‌باشد.

برای نمونه‌گیری، به خوابگاه‌های متأهلی دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاه تهران مراجعه شد. هنگام توزیع پرسش‌نامه‌ها، ضمن اشاره به هدف‌های پژوهش، نسبت به مشارکت کاملاً داوطلبانه، صادقانه و دقیق مشارکت‌کنندگان در این پژوهش تأکید شد؛ همچنین به آن‌ها درباره حفظ اطلاعات شخصی اطمینان داده شد. به علاوه نکات لازم برای پاسخ به پرسش‌نامه‌ها ارائه گردید و برای پاسخ به سؤال‌های احتمالی همسران اعلام آمادگی شد. در ادامه حق مشارکت‌کنندگان برای اطلاع از نتایج پرسش‌نامه خود و نتیجه کلی پژوهش به آن‌ها اعلام شده و از آن‌ها خواسته شد تا در صورت تمایل، یک آدرس ایمیل برای اطلاع از نتایج در پرسش‌نامه درج کنند.

در عین حال آدرس ایمیل پژوهشگر در اختیار آن‌ها قرار داده شد تا در صورت بروز مشکلات احتمالی یا وجود ابهام یا سؤال، با محقق تماس بگیرند. آنگاه برای مراجعه دوباره جهت تحویل گرفتن پرسش‌نامه تکمیل‌شده در هفته آینده، هماهنگی لازم صورت گرفت. پس از بررسی همبستگی‌ها، برای آزمون الگوی میانجی‌گری، از مدل‌یابی معادلات ساختاری<sup>۶۹</sup> و نرم‌افزار AMOS استفاده شد.

## یافته‌ها

شاخص‌های آمار توصیفی درباره متغیرهای موجود در تحلیل در جدول ۱ خلاصه شده است.



جدول ۱: شاخص‌های آمار توصیفی (n=۲۴۳)

انحراف استاندارد	میانگین	حداکثر	حداقل	زیرمقیاس	عامل کلی
۰/۶۳	۴/۶۳	۶/۰۰	۲/۶۰	خرد و دانش	توانمندی‌های منشی
۰/۶۴	۴/۷۰	۶/۰۰	۲/۵۰	شجاعت	
۰/۶۱	۵/۰۳	۶/۰۰	۳/۰۰	انسانیت	
۰/۶۳	۴/۹۵	۶/۰۰	۳/۰۰	عدالت	
۰/۷۰	۴/۶۰	۶/۰۰	۱/۷۵	اعتدال	
۰/۵۵	۴/۸۳	۵/۸۰	۳/۲۰	تعالی	
۰/۴۵	۴/۷۷	۵/۵۷	۳/۲۹	منش کلی	
۰/۶۰	۴/۰۹	۵/۰۰	۱/۸۳	مشارکت	سبک‌های کنترل تعارض
۰/۵۵	۳/۵۹	۵/۰۰	۱/۶۰	وظیفه‌مداری	
۰/۷۵	۳/۱۹	۵/۰۰	۱/۴۰	سلطه‌جویی	
۰/۷۶	۳/۲۰	۵/۰۰	۱/۰۰	اجتناب	
۰/۵۰	۳/۸۸	۵/۰۰	۲/۰۰	سازش	
۵/۵۶	۳۳/۹۳	۴۵/۰۰	۱۶/۰۰	رضایت زناشویی	

روابط متغیرهای پژوهش در جدول همبستگی ۲ توصیف شده است. همه فضایل با رضایت زناشویی رابطه معنی‌داری دارند. در این میان اما شجاعت بیشترین رابطه را با رضایت‌مندی دارد که برابر با ۰/۴۳ است. کمترین رابطه هم مربوط به فضیلت انسانیت است که ضریب همبستگی برابر ۰/۱۷ را به نمایش می‌گذارد. فضایل در مجموع (منش) ضریب همبستگی برابر ۰/۴۱ با رضایت زناشویی دارند.

جدول ۲: ماتریس همبستگی فضایل، سبک‌های کنترل تعارض و رضایت زناشویی (n=۲۴۳)

۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۰/۳۴**	۰/۳۹**	۰/۱۴	۰/۱۳	۰/۳۶**	۰/۳۸**	۰/۷۶**	۰/۴۸**	۰/۳۷**	۰/۳۴**	۰/۳۶**	۰/۵۵**	۱	۱. خرد
۰/۴۳**	۰/۳۱**	۰/۱۷*	۰/۰۱	۰/۳۵**	۰/۳۶**	۰/۷۴**	۰/۴۷**	۰/۳۷**	۰/۵۱**	۰/۲۳**	۱		۲. شجاعت
۰/۱۴**	۰/۳۰**	۰/۰۹	۰/۰۳	۰/۲۲**	۰/۳۱**	۰/۶۰**	۰/۵۰**	۰/۳۱**	۰/۳۹**	۱			۳. انسانیت
۰/۳۵**	۰/۲۴**	۰/۱۳	-۰/۰۴	۰/۳۵**	۰/۳۶**	۰/۷۰**	۰/۴۳**	۰/۵۱**	۱				۴. عدالت
۰/۳۲**	۰/۳۶**	۰/۱۷*	-۰/۱۱	۰/۳۶**	۰/۳۶**	۰/۶۹**	۰/۳۸**	۱					۵. اعتدال
۰/۳۸**	۰/۴۳**	۰/۱۳	۰/۰۶	۰/۳۷**	۰/۴۸**	۰/۷۷**	۱						۶. تعالی
۰/۴۱**	۰/۴۹**	۰/۲۰**	۰/۰۰	۰/۳۸**	۰/۵۱**	۱							۷. منش
۰/۵۶**	۰/۷۵**	۰/۱۶*	۰/۰۹	۰/۴۴**	۱								۸. مشارکت
۰/۳۲**	۰/۵۳**	۰/۲۴**	۰/۱۱	۱									۹. وظیفه
-۰/۰۶	۰/۱۴*	۰/۲۱**	۱										۱۰. سلطه
۰/۱۱	۰/۳۴**	۱											اجتناب
۰/۴۰**	۱												۱۱. سازش
۱													۱۲. رضایت

\*p<۰/۰۵

\*\*p<۰/۰۱

در میان فضایل، تعالی بیشترین رابطه را با سبک کنترل تعارض مشارکت‌جویی دارد. ضریب همبستگی این دو برابر ۰/۴۸ است. رابطه باقی فضایل با این سبک تقریباً نزدیک به یکدیگر و در حدود ۰/۳۱ تا ۰/۳۸ محاسبه شده است. کمترین رابطه با مشارکت‌جویی مربوط به فضیلت عدالت است که ضریب همبستگی معادل ۰/۲۶ ایجاد می‌کند. فضایل در مجموع نیز ضریب همبستگی برابر ۰/۵۱ با مشارکت‌جویی دارند. هم‌چنین در میان فضایل، تعالی بیشترین رابطه را با سبک کنترل تعارض وظیفه‌مداری هم دارد. ضریب همبستگی این دو برابر ۰/۳۷ است. رابطه باقی فضایل با این سبک تقریباً نزدیک به یکدیگر و در حدود ۰/۲۲ تا ۰/۲۶ محاسبه شده است. کمترین رابطه با وظیفه‌مداری مربوط به فضیلت انسانیت است که ضریب همبستگی ۰/۲۲ متعلق به آن است.

فضایل در مجموع نیز ضریب همبستگی برابر ۰/۳۸ با این سبک دارند. به طور کلی فضایل ارتباط معنی‌داری با سبک سلطه‌جویانه و ارتباط قابل توجهی با سبک اجتنابی ندارند. همان‌طور که جدول نشان می‌دهد، در میان فضایل، تعالی بیشترین رابطه را با سبک کنترل تعارض سازش‌جویانه دارد. ضریب همبستگی این دو برابر ۰/۴۳ است. فضایل در مجموع نیز ضریب همبستگی برابر ۰/۴۹ با این سبک کنترل تعارض دارند. بیشترین رابطه با رضایت‌مندی را مشارکت‌جویی با ضریب همبستگی برابر ۰/۵۶ دارد. دو سبک سلطه‌جویانه و اجتنابی نیز رابطه معناداری با رضایت زناشویی نشان نمی‌دهند.

برای بررسی وقوع میانجی‌گری، اثر کلی، مستقیم و غیر مستقیم فضیلت‌ها بر رضایت زناشویی مطالعه شد. در صورتی که مقدار قابل توجهی از اثر کلی از طریق مسیر غیرمستقیم (از طریق سبک کنترل تعارض) اعمال شود و در نتیجه با حذف این مسیر، اثر کلی تضعیف شود، میانجی‌گری سبک‌های کنترل تعارض در این مسیر محرز می‌گردد (پریچر و هایس<sup>۷۰</sup>، ۲۰۰۴). اگر با کنترل مسیر غیرمستقیم، اثر کلی به طور کامل از بین رود، میانجی‌گری کامل خواهد بود (سرمد<sup>۷۱</sup>، ۱۳۷۸). در این پژوهش، از شاخص مجذور خی<sup>۲</sup> ( $\chi^2$ )، شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI)، شاخص نیکویی برازش (GFI)، شاخص نیکویی برازش انطباقی (AGFI) و خطای ریشه مجذور میانگین تقریب (RMSEA) برای برازش الگوها استفاده شده است. اگر مجذور خی از لحاظ آماری معنی‌دار نباشد بر برازش مناسب الگو دلالت می‌کند، اما این شاخص در نمونه‌های بزرگ‌تر معمولاً معنی‌دار است و از این رو شاخص مناسبی برای برازش الگو تلقی نمی‌گردد (هومن<sup>۷۲</sup>، ۱۳۹۰). مقدار بزرگ‌تر از ۰/۹۰ برای شاخص‌های CFI، GFI و AGFI و مقدار کوچک‌تر از ۰/۰۸ برای شاخص RMSEA بر برازش مناسب و مطلوب دلالت دارند (هومن، ۱۳۹۰؛ میرز، گامست و گارینو<sup>۷۳</sup>، ۲۰۰۶؛ ترجمه پاشاشریفی<sup>۷۴</sup> و دیگران، ۱۳۹۱). هم‌چنین از آن‌جا که تعداد زیاد نشانگرهای مربوط به متغیرهای پنهان در SEM منجر به ضعف مدل می‌شود (وستون و گار<sup>۷۵</sup>، ۲۰۰۸)، با استفاده از گروه‌بندی آیتم‌ها تعداد

نشانه‌های رضایت زناشویی از ۱۰ به ۵ تقلیل یافته است. گرچه این روش ایده‌آل نیست، اما راهگشاست و در عین حال تأثیر منحرف‌کننده‌ای بر نتایج ندارد (وستون و گاری، ۲۰۰۸). در تحلیل اول، در ۶ مدل مجزا، میانجی‌گری سبک‌های سازگارانۀ کنترل تعارض در رابطه یک-یک فضایل و رضایت زناشویی بررسی شده است. برای رعایت اختصار مدل، بر اساس یافته‌های همبستگی و رگرسیون و البته بر اساس چارچوب نظری موجود، سبک‌های کنترل تعارض مشارکت‌جویی، سازش‌جویی و وظیفه‌مداری تحت سبک کنترل تعارض کلی سازگارانۀ قرار گرفتند. همان‌طور که در جدول ۳ قابل مشاهده است، نتایج نشان می‌دهد که سبک‌های سازگارانۀ کنترل تعارض در همه مدل‌های مختلف، به وضوح نقش میانجی را ایفا می‌کنند؛ اندازه میانجی‌گری‌های رخ داده در مدل‌های مختلف از حدود نیم برابر تا یک و نیم برابر اثر مستقیم فضایل بر رضایت‌مندی، متغیر است. بزرگ‌ترین میانجی‌گری‌ها در ارتباط با فضیلت انسانیت و کوچک‌ترین آن با شجاعت اتفاق می‌افتد.

جدول ۳: آثار کلی و غیرمستقیم فضایل بر رضایت زناشویی در مدل‌های شامل فضایل مختلف

تعالی	اعتدال	عدالت	شجاعت	انسانیت	خرد	
۰/۵۷	۰/۳۴	۰/۳۶	۰/۵۹	۰/۲۱	۰/۴۸	اثر کل استاندارد فضیلت بر رضایت
۰/۳۴	۰/۳۲	۰/۲۳	۰/۲۳	۰/۳۱	۰/۲۷	اثر استاندارد غیرمستقیم فضیلت بر رضایت از طریق سبک کنترل تعارض سازگارانۀ

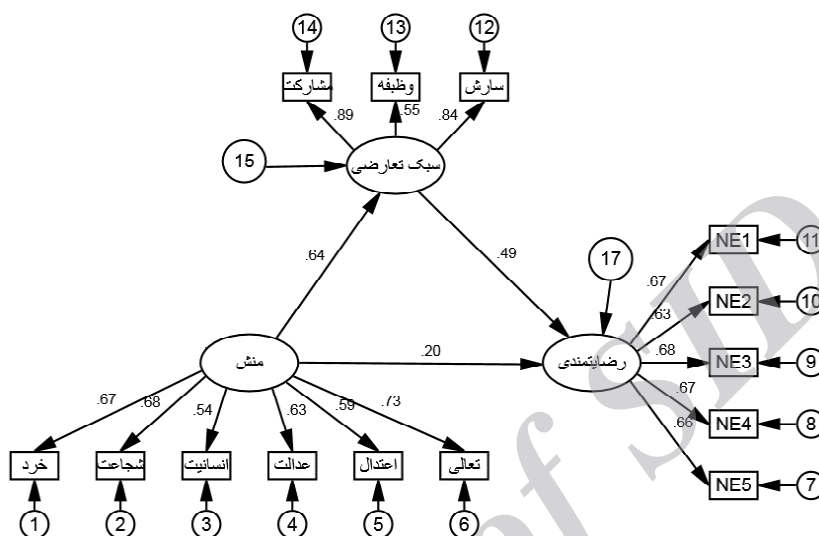
شاخص‌های برازش برای این مدل‌ها در جدول ۴ قابل مشاهده است. اگرچه مجذورهای کا معنی‌دار هستند و این می‌تواند به مفهوم عدم وجود برازش قابل قبول میان مدل و داده‌ها باشد، اما توجه به این نکته ضروری است که مجذور کا نسبت به حجم نمونه حساس است؛ این شاخص برای نمونه‌های بزرگ‌تر از ۲۰۰، تقریباً همیشه از نظر آماری معنادار است (هومن، ۱۳۹۰؛ بیرن<sup>۶</sup>، ۲۰۱۰). از این رو برای بررسی بیشتر از دیگر اندازه‌های برازش استفاده شد که نشان از برازش خوب مدل‌ها دارند.

جدول ۴: شاخص‌های برازش مدل‌های شامل فضایل مختلف

df	p	$\chi^2$	GFI	AGFI	NFI	CFI	RMSEA	
۶۲	۰/۰۰	۱۱۶/۲۳	۰/۹۳	۰/۹۰	۰/۸۸	۰/۹۴	۰/۰۶	خرد
۵۷	۰/۰۲	۷۱/۷۵	۰/۹۵	۰/۹۳	۰/۹۲	۰/۹۷	۰/۰۴	شجاعت
۴۱	۰/۰۱	۶۴/۵۲	۰/۹۵	۰/۹۲	۰/۹۲	۰/۹۷	۰/۰۵	انسانیت
۴۱	۰/۰۱	۶۵/۰۴	۰/۹۶	۰/۹۳	۰/۹۲	۰/۹۷	۰/۰۵	عدالت
۸۷	۰/۰۰	۱۰۱/۰۶	۰/۹۳	۰/۹۰	۰/۸۹	۰/۹۴	۰/۰۶	اعتدال
۶۲	۰/۰۰	۹۹/۸۸	۰/۹۴	۰/۹۱	۰/۸۹	۰/۹۵	۰/۰۵	تعالی

در تحلیل دوم میانجی‌گری سبک‌های سازگارانۀ کنترل تعارض در رابطه مجموع فضایل (منش کلی) و رضایت زناشویی مورد بررسی قرار گرفته است. مدل ساختاری نهایی برای روابط مذکور، در

شکل ۲ قابل مشاهده است. بررسی مدل ساختاری به وسیله آزمون‌های برازش، نشانگر برازش مطلوب مدل با داده‌ها می‌باشد. ضرایب مسیر معنادارند. اگرچه مجذور کا معنی‌دار است ( $p < 0/001$ )، اما شاخص GFI برابر ۰/۹۱، AGFI برابر ۰/۹۰، CFI برابر ۰/۹۲ و RMSEA برابر ۰/۷۲ هستند که در مجموع برازش مناسب مدل را تأیید می‌کنند.



شکل ۲: نمودار ساختاری به همراه ضرایب مسیر مدل میانجی‌گری مفروض

هم‌چنین اثر فضایل در مجموع (منش) بر رضایت زناشویی ۰/۵۱ است که از این مقدار ۰/۲۰ آن به طور مستقیم و ۰/۳۲ از آن به شکل غیرمستقیم و از طریق سبک‌های سازگارانۀ کنترل تعارض اعمال می‌شود که نشانه وقوع میانجی‌گری است.

### بحث و تفسیر

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که فضایل و منش با سبک‌های سازگارانۀ کنترل تعارض (و نه با سبک‌های ناسازگارانۀ) و نیز با رضایت زناشویی رابطه معناداری دارند. هم‌چنین میانجی‌گری سبک‌های سازگارانۀ کنترل تعارض، در رابطه فضایل و رضایت زناشویی آشکار است. شجاعت که مهم‌ترین فضیلت تأثیرگذار بر رضایت زناشویی است، از توانمندی‌هایی هم‌چون اشتیاق و انرژی، جرأت، پایداری، صداقت و اصالت تشکیل شده است؛ جایگاه مهم این فضیلت در تبیین رضایت

زناشویی، هم‌راستا با پژوهش‌هایی است که توانمندی‌هایی چون اشتیاق را از مهم‌ترین همراهان رضایت از زندگی معرفی کرده‌اند (پارک، پیترسون، ۲۰۰۹؛ پارک و همکاران، ۲۰۰۴). از سوی دیگر، انسانیت که دربرگیرنده توانمندی‌های عشق، مهربانی و هوش هیجانی است، ضعیف‌ترین رابطه را با رضایت‌مندی نشان داده است. چنین نتیجه‌ای کمی غیرمنتظره است؛ علی‌رغم اهمیتی که در زندگی امروز (در اشعار و داستان‌ها، در فیلم‌ها و عمده آثار هنری، در مکالمات روزمره مردم و...) به عشق داده می‌شود و پژوهش‌هایی که عشق را از مهم‌ترین هم‌بسته‌های رضایت از زندگی معرفی کرده‌اند (پارک، پیترسون، ۲۰۰۹؛ پارک، و همکاران، ۲۰۰۴) و مهربانی را عامل کلیدی تعیین‌کننده موفقیت و شکست ازدواج دانسته‌اند (دیلون، نوآک، ویسفلد، ویسفلد، شاتوک، ایمام‌گلو، بوتووسکایا و شن<sup>۷۷</sup>، ۲۰۱۵)، نتایج این پژوهش نشان داده است که انسانیت کمترین اثر را در میان سایر فضایل، در رضایت‌مندی فرد از زندگی مشترک دارد. انسانیت فضیلتی بین‌فردی است و انگیزه‌های ناشی از آن در ارتباطات (درک دیگران و رفتارهای مثبت و حمایتی نسبت به آن‌ها) ارضا می‌شوند (پارک و همکاران، ۲۰۰۴). از این رو ارضای این انگیزه‌ها به دیگران وابسته است؛ دیگرانی که به ویژه در بافت زندگی مشترک شاید همیشه پاسخ‌گو، هماهنگ و باملاحظه نیستند (فینچام و بیچ، ۲۰۱۰). این می‌تواند به ناکامی انگیزه‌ها و کاهش رضایت‌مندی منجر شود. در مقابل، توانمندی‌های تحت شجاعت، انگیزه‌هایی درونی در جهت گرایش فرد به سمت اهدافش (حتی در برابر تضادها و شرایط نامناسب) تولید می‌کنند. به عنوان مثال، اشتیاق یک احساس انگیزشی و لذت درونی است که ریشه در ارگانسیم دارد و در میان توانمندی‌ها، جنبه زیستی آن برجسته‌تر است.

بنابراین بر خلاف انسانیت، ارضای این انگیزه‌ها لزوماً وابسته به دیگران نیست. به علاوه، شجاعت در مسیر برآورده شدن نیازهای فرد است، در حالی که انسانیت با فداکاری و گذشتن از نیازهای خود همراه است (پیترسون و سلیگمن، ۲۰۰۴)؛ با توجه به تعریف رضایت زناشویی که بر میزان برآورده شدن نیازهای فرد در رابطه مبتنی است (عباسی، دهقانی و مظاهری<sup>۷۸</sup>، ۱۳۸۹)، فردی که سطح بالایی از توانمندی‌های انسانیت را نشان می‌دهد، می‌تواند رضایت کمتری داشته باشد؛ و در نهایت، شاید انسانیت در بعضی موقعیت‌ها نیز منجر به آسیب‌پذیرتر بودن فرد (به ویژه زن) در برابر روش‌های رقابتی، خودمحورانه و سلطه‌جویانه همسر می‌شود. چنان که بعضی شواهد نشان می‌دهند علی‌رغم آن‌که فضایل رابطه قابل توجهی با سبک کنترل تعارض سلطه‌جویی ندارند، اما انسانیت همسر (و نه انسانیت خود فرد) یک پیش‌بین کوچک اما بامعنی اتخاذ این سبک توسط فرد است (نادری، ۱۳۹۲). در مجموع به نظر می‌رسد که احساس رضایت از زندگی زناشویی، بیشتر از آن‌که در رابطه تولید شود و به فرد سرایت نماید، در درون خود فرد و تا حدی مستقل از رابطه با همسر اتفاق می‌افتد و رابطه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عبارت دیگر رضایت زناشویی نیز بیشتر از آن‌که ناشی از عشق و

درک و محبت میان همسران باشد، در وضعیت درونی مثبت فرد و ویژگی‌های او ریشه دارد. این‌که عشق و لذت را باید در درون خود جست‌وجو کرد، آموزه‌ای قدیمی است.

تعالی که بعد از شجاعت بیشترین رابطه را با رضایت‌مندی دارد، دربرگیرنده حساسیت به زیبایی، داشتن توانایی قدردانی، معنویت، امید و شوخ‌طبعی است و ارتباط با دنیای بزرگ‌تر و جست‌وجوی معنی برای زندگی را هدایت می‌کنند (پیترسون و سلیگمن، ۲۰۰۴؛ بلیک<sup>۷۹</sup>، ۲۰۱۵). اجزای تعالی در مجموع چارچوب نگاهی به زندگی ایجاد می‌کند که درکی از زندگی، فراتر از اتفاقات و تشویش‌های روزمره به فرد می‌بخشد؛ به نظر می‌رسد این فضیلت با دادن معنا به زندگی مشترک، فضای مثبتی میان زوجین ایجاد می‌کند که تأثیر مثبتی بر احساس آن‌ها از زندگی زناشویی دارد. این یافته با پژوهش‌های گذشته هماهنگ است که دینداری و معنویت با تقدیس رابطه زناشویی توسط زوجین و افزودن معنایی اضافه بر لذت‌های معمول به ازدواج، منجر به افزایش کیفیت زندگی مشترک می‌شود (ویلکاکس و ولفینگر<sup>۸۰</sup>، ۲۰۰۸؛ فینچام و بیچ، ۲۰۱۰؛ اولسون و دیگران، ۲۰۱۵). به علاوه، دیدن معنا برای زندگی، با افزایش قدرت فرد در برابر مشکلات و اختلافات (افزایش تاب‌آوری)، سازگاری و سلامت او را در زندگی مشترک افزایش می‌دهد (صیدی، پورابراهیم، باقریان و منصور<sup>۸۱</sup>، ۱۳۹۰). باز هم به نظر می‌رسد رضایت زناشویی بیشتر از آن‌که وابسته به عشق در رابطه باشد، به ویژگی‌های خود فرد (در این‌جا نگرش درونی فرد به زندگی ناشی از تعالی) بستگی دارد. هم‌چنین یافته این پژوهش درباره تعالی با پژوهش‌های موجود که توانایی شوخ‌طبعی و عواطف مثبت در حین تعارض، دارای تأثیر مثبتی بر روند آینده رابطه است (دراپور<sup>۸۲</sup> و گاتمن، ۲۰۰۴)، هماهنگ می‌باشد.

بنا بر تعریف، توانمندی‌ها در عمل مشاهده می‌شوند (پیترسون و سلیگمن، ۲۰۰۴)؛ بنابراین انتظار می‌رود تا فضایل در روابط، به ویژه تعاملات مثبت حین تعارض نیز جلوه کنند. در این راستا همه فضایل، بیشترین رابطه را با سبک مشارکت‌جویانه و سازش‌جویانه (سازگارانه‌ترین سبک‌ها) نشان داده‌اند. ارتباط فضایل با سبک وظیفه‌مدار کمتر است و در نهایت، دو سبک سلطه‌جویانه و اجتنابی نیز با هیچ کدام از فضایل، رابطه معنی‌دار و قابل توجهی نشان نمی‌دهند.

این یافته‌ها با طبیعت مثبت فضیلت‌ها مطابق است؛ به لحاظ منطقی انتظار نمی‌رود که فضایل به شکل رفتارهای ناسازگارانه جلوه کنند. در عین حال یافته‌ها نشان می‌دهد که در میان فضایل، تعالی و اعتدال بزرگ‌ترین رابطه را با سبک‌های کنترل تعارض سازگارانه دارند. پژوهش‌ها نیز توانایی استفاده از عواطف مثبتی مانند شوخ‌طبعی یا علاقه هنگام تعارض را، یک پیش‌بین مهم سلامت رابطه در آینده، رضایت و ثبات زناشویی دانسته‌اند (گاتمن، ۱۹۹۳؛ گاتمن و همکاران، ۱۹۹۸؛ خوشخرام و گلزاری، ۱۳۹۰). معنویت و دین‌داری نیز با سطوح پایین‌تر تعارضات زناشویی، احساس دریافت حمایت بیشتر از همسر، سازگاری زناشویی بیشتر، پرخاشگری کلامی کمتر و همکاری بیشتر زوجین همراه است (برادی، استونمن، فلور و مک کراری<sup>۸۳</sup>، ۱۹۹۴؛ ماهونی، پراگامنت، جول، سوآنک،

اسکات، امری و رای<sup>۸۴</sup>، (۱۹۹۹). هم‌چنین معنویت به عنوان مانعی در برابر انجام رفتارهای منفی که به ازدواج آسیب می‌رسانند عمل می‌کند (فینچام و بیچ، ۲۰۱۰). اعتدال که از توانمندی‌های گذشت، فروتنی، پروا و کنترل خود تشکیل شده، فضیلتی است که سراسر بر فرآیندهای بازداری استوار است. داشتن سطوح بالای این فضیلت، به معنی داشتن توانایی کنترل هیجان‌ها، تکانه‌ها و امیال خود در برابر تضادهاست (پارک و همکاران، ۲۰۰۴).

از آن‌جا که بازداری امیال و کنترل هیجان‌ها در رابطه، برای توجه و رسیدگی به نیازهای همسر ضروری است، سبک‌های سازگاران در مواجهه با اختلافات، بر بازداری امیال و توجه برابر به نیازهای فرد مقابل استوارند (رحیم، ۲۰۰۲). به عنوان مثال، گذشت که جزئی از فضیلت اعتدال است، رفتار مثبتی است که مهربانی، ملایمت و دلسوزی را در برابر رفتار آزارنده فرد دیگر می‌نشانند (بویل، ۲۰۱۱). پژوهش‌های پیشین نقش مثبت گذشت را در حل تعارض زناشویی نشان داده‌اند (توسینت و همکاران، ۲۰۱۵؛ افخمی، بهرامی و فاتحی‌زاده<sup>۸۵</sup>، ۱۳۸۶).

نتایج تحلیل داده‌ها، میانجی‌گری سبک‌های کنترل تعارض سازگاران در رابطه فضایل و رضایت‌مندی را نشان می‌دهد. این نشان می‌دهد که توانمندی‌های منشی و فضایل، با شکل دادن به رفتارهای زوجین در حین تعارض، بر کیفیت رابطه و رضایت‌مندی زوجین از ازدواج تأثیر می‌گذارند. با آن‌که آموزش سبک‌های کنترل تعارض، روشی است که سال‌ها به عنوان یک رویکرد مؤثر به اختلافات و مشکلات زناشویی مطرح بوده است، اما با توجه به تغییرات سریع در سبک زندگی جوامع که چندان به نفع ازدواج نبوده‌اند (فینچام و بیچ، ۲۰۱۰)، به نظر می‌رسد رویکردهای موجود به تنهایی برای پیشگیری و بهبود مشکلات زناشویی کافی نیست.

همان‌گونه که اشاره شد، آمار مشکلات زناشویی و جدایی به طور نگران‌کننده‌ای افزایش می‌یابد. به نظر می‌رسد در دنیای امروز، در مواردی افراد انگیزه کمتری برای به کار بردن رفتارهای سازگاران در مواجهه با مشکلات و اختلافات دارند (نه این‌که رفتار درست را ندانند)؛ فردی که بر خود متمرکز است، شاید نتواند دلیل چندان برای در نظر گرفتن نیازهای مخاطب خود احساس کند یا پروای عواطف دیگران را داشته باشد. این واقعیت، از تأثیر روش‌های موجود برای آموزش رفتارهای کنترل تعارض می‌کاهد. روش‌های موجود، بر آموزش و اصلاح رفتارها و شناخت‌های زوجین متمرکز است، اما به نظر می‌رسد درباره انگیزه فرد برای به کار بردن رفتارهای جدید، تغییر و حفظ آن چندان مؤثر نیست. حداقل به لحاظ نظری، کار بر روی فضایل و منش زوجین می‌تواند با اصلاح انگیزه‌ها و بخشیدن معنا به تغییر مثبت، این نقص را برطرف کند. بنابراین پیشنهاد اصلی حاصل از این پژوهش، اصلاح و تقویت توانمندی‌ها و فضایل زوجین به ویژه تقویت تعالی و شجاعت در همسران در کنار مداخلات موجود است. به این ترتیب فرد هم رفتارها و نگرش‌های جدید را فرا می‌گیرد و هم برای به کار بردن آن‌ها انگیزه و معنا می‌یابد. این پیشنهاد هم در عرصه درمانی و هم برای پیشگیری

از ایجاد مشکلات زناشویی کاربرد دارد. در واقع مهم‌ترین جایگاه برای آموزش، پرورش و تقویت منش، دوره کودکی و نوجوانی است (پارک و پیترسون، ۲۰۰۶b) و کار با این گروه سنی می‌تواند آینده‌نگرانه‌ترین و مؤثرترین پیشگیری از مشکلات زناشویی، اجتماعی و... برای خانواده‌ها و جوامع باشد.

در مجموع آنچه از این پژوهش به دست آمد، از چند جهت دارای اهمیت است؛ نتایج نه تنها نشان دادند که فضایل بر کیفیت زندگی زناشویی مؤثرند، بلکه تبیینی هم برای چگونگی این تأثیر در اختیار گذاشتند: فضایل با تأثیر بر تعاملات زوجین - به طور خاص: شیوه‌های واکنش همسران به تعارضها - برای پیامدهای ازدواج تعیین‌کننده‌اند. این، راهی متفاوت را در تدبیر مشکلات زناشویی پیش رو می‌گذارد؛ به این ترتیب دستاورد دیگری که این پژوهش به همراه داشته است، گسترش دادن ادبیات مربوطه، به حوزه تعاملات زناشویی و به ویژه رفتارهای تعارضی و پیامدهای ازدواج، در کمبود یا فقدان چنین پژوهش‌هایی است. اهمیت دیگر این یافته‌ها، وضوح بخشیدن به تفاوت فضایل مهم، در زمینه‌های مختلف زندگی است. به این ترتیب آثار فضایل در حوزه تخصصی‌تری که متمایز از کل زندگی است (رابطه زناشویی)، آشکار شده است. یکی از محدودیت‌های این پژوهش همان مشکلات معمول مربوط به ابزارهای خودسنجی است؛ این که فرد تا چه حد به پرسش‌ها دقیق جواب می‌دهد.

همچنین از محدودیت‌های این کار، عدم امکان افزایش حجم نمونه بوده است؛ چرا که با یک نمونه بزرگ‌تر، مدل‌یابی معادلات ساختاری نتایج مطمئن‌تری به دست می‌دهد. یکی دیگر از محدودیت‌های این پژوهش، عدم وجود پیشینه کافی مرتبط جهت مقایسه با یافته‌های پژوهش است. بنابراین در مواردی برای بحث درباره یافته‌ها، از استدلال منطقی، مقایسه یافته‌ها با یکدیگر و مقایسه با پژوهش‌های نزدیک استفاده شده است. علاوه بر این‌ها، به خاطر ویژگی‌های خاص گروه نمونه که اکثراً دانشجویند، در خوابگاه زندگی می‌کنند، از نظر مالی وضعیت مناسبی ندارند و زندگی مشترک‌شان عمر کمی دارد، احتمالاً قابلیت تعمیم نتایج این پژوهش به جامعه نیز، محدود است.

#### پی‌نوشت‌ها

- |   |  |
|---|--|
| 1. Fincham & Beach  | 45. Baron & Kenny                              |
| 2. Leggett, Roberts-Pittman, Byczek & Morse               | 46. Brief Strengths Test                       |
| 3. Noorbala   | 47. Furnham & Lester                           |
| 4. The National Organization for Civil Registration       | 48. Tabik, Ghorbani & Rezazade                 |
| 5. Seligman   | 49. Naderi                                     |
| 6. Peterson   | 50. Rahim Organizational Conflict Inventory-II |
| 7. Manual of the Sanities                                 | 51. Integrating                                |
| 8. The Values in Action (VIA) Classification of Strengths | 52. Obliging                                   |
| 9. Virtues  |  |



10. Park
11. Well Being
12. Happiness
13. Korotkov & Godbout
14. Macaskilla & Denovan
15. Individual fulfillment
16. Martinez-Marti & Ruch
17. Buschor, Proyer
18. Weber
19. Honesty
20. Steen
21. Pearce, Chuikova, Ramsey & Galyautdinova
22. Linley, Maltby, Wood, Joseph, Harrington
23. Geist & Gilbert
24. Schneewind & Gerhard
25. Sierau & Herzberg
26. Karney & Bardbury
27. Caughlin Huston & Houts
28. Valerie & Paul
29. Distress
30. Oulia, Fatehizade & Bahrami
31. Graber, Laurenceau, Miga, Chango, & Coan
32. Sillars
33. Gottman & Levenson
34. Mackey, Diemer & O'Brien
35. Paleari, Regalia
36. Straus Shattuck, Imamoglu, Butovskaya & Shen
37. Fitzpatrick
38. Tabares
39. Gottman, Coan, Swanson & Carrere
40. Khoshkharam & Golzari
41. Prager, Shirvani, Poucher, Cavallin, Truong & Garcia
42. Ramos
43. Boyle
44. Toussaint, Worthington & Williams
53. Dominating
54. Avoiding
55. Compromising
56. Zarei, Falahchai & Haghghi
57. Ishii
58. Zhang
59. Shi
60. Rahim, Kaufman & Psenicka
61. Rahim & Buntzman
62. Habibi, Zarei & Ghaderi
63. ENRICH Marital Satisfaction Scale
64. ENRICH Couple Scales
65. Asoodeh
66. Al-Krenawi
67. Olson, Marshall, Goddard & Schramm
68. Sadeghi
69. Structural equation modeling (SEM)
70. Preacher & Hayes
71. Sarmad
72. Hooman
73. Meyers, Gamst & Guarino
74. Pashasharifi
75. Weston & Gore
76. Byrne
77. Dillon, Nowak, Weisfeld, Weisfeld,
78. Abasi, Dehghani & Mazaheri
79. Blake
80. Wilcox & Wolfinger
81. Seydi, Pourebrahim, Bagherian & Mansour
82. Driver
83. Brody, Stoneman, Flor & McCrary
84. Mahoney, Pargament, Jewell, Swank, Scott, Emery & Rye
85. Afkhami, Bahrami & Fatehizadeh

## منابع

- آسوده، م. ح. (۱۳۸۹). *فاکتورهای ازدواج موفق از دیدگاه زوجین خوشبخت*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه تهران.
- افخمی، ا.، بهرامی، ف. و فاتحی‌زاده، م. (۱۳۸۶). بررسی رابطه بین میزان بخشودگی و تعارض زناشویی زوجین در استان یزد. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، سال ۳، شماره ۹، ۴۳۱-۴۴۲.

اولیاء، ن؛ فاتحی‌زاده، م. و بهرامی، ف. (۱۳۸۵). تأثیر آموزش غنی‌سازی زندگی زناشویی بر افزایش صمیمیت زوجین. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، سال ۲، شماره ۶، ۱۱۹-۱۳۵.

تبیك، م؛ قربانی، ن. و رضازاده، س.م. (۱۳۹۲). رابطه انگیزش دینی و خودشناسی با فضایل اخلاقی. *دو فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، سال ۷، شماره ۱۲، ۱۳۵-۱۴۸.

حبیبی، ح؛ زارعی، ا. و قادری، ف. (۱۳۹۱). بررسی ساختار عاملی و ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه سبک‌های حل تعارض رحیم (ROCI-II) در بین زوجین ایرانی. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، سال ۱، شماره ۴، ۵۳۴-۵۶۱.

خوشخرام، ن. و گلزاری، م. (۱۳۹۰). اثربخشی آموزشی افزایش عاطفه مثبت بر میزان رضایت زناشویی و سبک دلبستگی در دانشجویان متاهل. *مطالعات روان‌شناختی*، سال ۷، شماره ۳، ۲۹-۴۹.

زارعی، ا؛ فلاح‌چای، ر. و حقیقی، ح. (۱۳۹۰). مقایسه سبک‌های حل تعارض زناشویی بین زوجین رضایت‌مند، زوجین دارای تعارض و زوجین در شرف طلاق. *مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران*، سال ۴۱، شماره ۱، ۷۱-۸۸.

سازمان ثبت احوال کشور. (۱۳۹۴). سایت رسمی: [www.sabteahval.ir](http://www.sabteahval.ir)

سرمد، ز. (۱۳۷۸). متغیرهای تعدیل‌کننده و واسطه‌ای: تمایزات مفهومی و کاربردی. *پژوهش‌های روان‌شناختی*، دوره ۵، شماره ۳ و ۴.

صادقی، م. س. (۱۳۸۹). *الگوی تعاملی زناشویی در فرهنگ ایرانی و اثربندی آموزش مهارت‌های ارتباطی مبتنی بر فرهنگ بر افزایش سازگاری زوجین ناسازگار*. رساله دکتری رشته روان‌شناسی عمومی، دانشگاه شهید بهشتی.

صیدی، م. س؛ پورابراهیم، ت؛ باقریان، ف. و منصور، ل. (۱۳۹۰). رابطه بین معنویت خانواده با تاب‌آوری آن، با واسطه‌گری کیفیت ارتباط در خانواده. *روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، سال ۲، شماره ۵، ۶۷-۸۴.

عباسی، م؛ دهقانی، م. و مظاهری، م. ع. (۱۳۸۹). بررسی تغییرات رضایت زناشویی و ابعاد آن در طول چرخه زندگی خانواده: تحلیل روند. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، سال ۶، شماره ۲۱، ۵-۲۲.

میرز، ل؛ گامست، گ. و گارینو، ا. ج. (۲۰۰۶). *پژوهش چندمتغیری کاربردی (طرح و تفسیر)*. ترجمه پاشاشریفی، ح، فرزاد، و، رضاخانی، س، حسن‌آبادی، ح، ایزانلو، ب و حبیبی، م. (۱۳۹۱). تهران: انتشارات رشد.

نادری، ح. (۱۳۹۲). *نقش میانجی‌گر سبک‌های تعارضی در رابطه توانمندی‌های منشی با رضایت زناشویی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.

نوربالا، ا. ع. (۱۳۹۰). سلامت روانی - اجتماعی و راهکارهای بهبود آن. *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، سال ۱۷، شماره ۲، ۱۵۱-۱۵۶.

هومن، ح. ع. (۱۳۹۰). *مدل‌یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم‌افزار لیزرل*. تهران: انتشارات سمت.

- Abasi, M., Dehghani, M., & Mazaheri, M. A. (2010). [Study of changes in marital satisfaction and its dimensions through the life cycle of the family: Trend Analysis]. *Journal of Family Research*, 6(21) 5-22 [in Persian].
- Afkhami, A., Bahrami, F., & Fatehizadeh, M. (2007). [Study of relation between Forgiveness and Marital Conflict in Yazd spouses]. *Journal of Family Research*, 3(9) 431-442 [in Persian].
- Al-Krenawi, A. (2012). A study of psychological symptoms, family function, marital and life satisfactions of polygamous and monogamous women: The Palestinian case. *International Journal of Social Psychiatry*, 58(1) 79-86.
- Asoodeh, M. H. (2010). *Factors of Successful marriage from satisfied spouses' viewpoint*. Master thesis in Family Consultation. Tehran University [in Persian].

- Baron, R., & Kenny, D. A. (1986). The Moderator-Mediator Variable Distinction in Social Psychological Research: Conceptual, Strategic, and Statistical Consideration. *Journal of Personality and Social Psychology*, 51(6) 1173-1182.
- Blake, A. (2015). Balance Among Character Strengths and Meaning in Life. *Journal of Happiness Studies*, 16(5) 1247-1261.
- Boyle, j. (2011). Similarity Effects of Character Virtues on Relationship Satisfaction. Master Dissertation in Psychology, Hanover College.
- Brody, G., Stoneman, Z., Flor, D., & McCrary, C. (1994). Religion's role in organizing family relationships: Family process in rural, two-parent African American families. *Journal of Marriage and the Family*, 56, 878-888.
- Buschor, C., Proyer, R. T., & Ruch, W. (2013). Self- and peer-rated character strengths: How do they relate to satisfaction with life and orientations to happiness? *Journal of Positive Psychology*, 8(2), 116-127.
- Byrne, B. M. (2010). *Structural equation modeling with AMOS: basic concepts, applications, and programming*, 2nd Ed. New York: Taylor & Francis Group.
- Caughlin, J. P., Huston, T. L., & Houts, R. N. (2000). How does personality matter in marriage? An examination of trait anxiety interpersonal negativity, and marital satisfaction. *Journal of Personality and Social Psychology*, 78, 326-336.
- Dillon, L., Nowak, N., Weisfeld, G., Weisfeld, C., Shattuck, K., Imamoğlu, O., Butovskaya, M., & Shen, J. (2015). Sources of Marital Conflict in Five Cultures. *Evolutionary Psychology*, 13(1) 1-15.
- Driver, J. L., & Gottman, J. M. (2004). Daily Marital Interactions and Positive Affect During Marital Conflict Among Newlywed Couples. *Family Process*, 43(3) 301-314.
- Fincham, F. D. (2003). Marital Conflict: Correlates, Structure, and Context. *Current Directions in Psychological Science*, 12(1) 23-27.
- Fincham, F., & Beach, S. (2010). Marriage in the New Millennium: A Decade in Review. *Journal of Marriage and Family*, 72, 630 – 649.
- Fitzpatrick, M. A. (1984). A Typological Approach to Marital Interaction: Recent Theory and Research. In Berkowitz L. (Eds.). *Advances in Experimental Social Psychology*. (pp. 1-47) Florida: Academic Press, Inc.
- Furnham, A. & Lester, D. (2012). The Development of a Short Measure of Character Strength. *European Journal of Psychological Assessment*, 28(2) 95-101.
- Geist, R. L., & Gilbert, D. G. (1996). Correlates of expressed and felt emotion during marital conflict: Satisfaction, personality, process and outcome. *Personality and Individual Difference*, 21(1) 49-60.
- Gottman, J. M. (1993). The roles of conflict engagement, escalation, and avoidance in marital interaction: A longitudinal view of five types of couples. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 61(1) 6-15.
- Gottman, J. M., Coan, J., Swanson, C., & Carrere, S. (1998). Predicting marital happiness and stability from newlywed interactions, *Journal of Marriage & the Family*, 60, 5-22.
- Gottman, J. M. & Levenson, R. W. (1992). Toward a typology of marriage based on affective behavior: Preliminary differences in behavior, physiology, health, and risk for dissolution. *Journal of Personality and Social Psychology*, 63, 221-233.

- Graber, E., Laurenceau, J., Miga, E., Chango, J., & Coan, J. (2011). Conflict and Love: Predicting Newlywed Marital Outcomes from Two Interaction Contexts. *Journal of Family Psychology, 25*(4) 541–550.
- Habibi, H., Zarei, A., & Ghaderi, F. (2012). [Study of factor structure and psychometric properties of Rahim Organizational Conflict Inventory-II, in Iranian couples]. *Journal of Family Counseling & Psychotherapy, 1*(4) 534-561 [in Persian].
- Hooman, H. A. (2011). [Structural Equation Modeling with LISREL Application]. Tehran: Samt Publication [in Persian].
- Ishii, K. (2010). Conflict Management in Online Relationships. *Cyberpsychology, Behavior, And Social networking. 13*(4) 365-370.
- Karney, B. R., & Bardbury, T.N. (1997). Neuroticism, marital interaction and the trajectory of marital satisfaction. *Journal of Personality and Social Psychology, 2*, 1075-1092.
- Khoshkharam, N. & Golzari, M. (2012). [Training effectiveness of increasing positive affect on marital satisfaction and attachment style in married students]. *Journal of Psychological Studies, 7*(3) 29-49 [in Persian].
- Korotkov, D., & Godbout, A. (2014). Personality, motivation, nature, and well-being. *Personality and Individual Differences, 60*, S65.
- Leggett, D.G., Roberts-Pittman, B., Byczek, S., & Morse D.T. (2012). Cooperation, Conflict, and Marital Satisfaction: Bridging Theory, Research, and Practice. *The Journal of Individual Psychology, 68*(2) 182-199.
- Linley, P., Maltby, J., Wood, A.M., Joseph, S., Harrington, S., Peterson. C., Park, N., & Seligman, M. (2007). Character strengths in the United Kingdom: The VIA Inventory of Strengths. *Personality and Individual Differences, 43*, 341–351.
- Macaskilla, A. & Denovan, A. (2015). Assessing psychological health: the contribution of psychological strengths. *British Journal of Guidance & Counselling, 42*(3) 320–337.
- Mackey, R. A., Diemer, M. A. & O'Brien, B. A. (2000). Conflict Management Styles of Spouses in Lasting Marriages. *Psychotherapy, 37*(2) 134-148.
- Mahoney, A., Pargament, K., Jewell, T., Swank, A., Scott, E., Emery, E., & Rye, M. (1999). Marriage and the spiritual realm: The role of proximal and distal religious constructs in marital functioning. *Journal of Family Psychology, 13*, 321–338.
- Martinez-Marti, M. L., & Ruch, W. (2014). Character strengths and well-being across the life span: data from a representative sample of German-speaking adults living in Switzerland. *Frontiers in Psychology, 5*, 1253. doi: 10.3389/fpsyg.2014.01253.
- Meyers, L., Gamst, G., & Guarino, A. J. (2006). Applied multivariate research: design and interpretation (Pashasharifi, H., & others Trans.). Tehran: Roshd Publication.
- Naderi, H. (2013). *The mediating role of the conflict styles in relationship between Character Strengths and marital satisfaction*. M. A Dissertation in general psychology, Shahid Beheshti University [in Persian].
- Noorbala, A. A. (2011). [Psycho-Social health and Strategies for its improvement]. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology, 17*(2) 151-156 [in Persian].
- Olson, J. R., Marshall, J. P., Goddard, H. w., & Schramm, D. G. (2015). Shared Religious Beliefs, Prayer, and Forgiveness as Predictors of Marital Satisfaction. *Family Relations, 64*(4) 519–533.

- Oulia, N., Fatehizade, M., & Bahrami, F. (2006). [The effect of marriage enrichment training on increasing intimacy in couples]. *Journal of Family Research*, 2(6) 119-135 [in Persian].
- Paleari, F.G., Regalia, C., & Fincham, F. D. (2010). Forgiveness and Conflict Resolution in Close Relationships: Within and Cross Partner Effects. *Universitas Psychologica*, 9(1) 35-65.
- Park, N., & Peterson, C. (2006a). Character Strengths and Happiness among young children: content analysis of parental description. *Journal of Happiness Studies*, 7, 323-341.
- Park, N., & Peterson, C. (2006b). Moral competence and character strengths among adolescents: The development and validation of the Values in Action Inventory of Strengths for Youth. *Journal of Adolescence*, 29, 891-905.
- Park, N., & Peterson, C. (2009). Character Strengths: Research and Practice. *Journal of College & Character*, 10(4) 323-341.
- Park, N., Peterson, C., & Seligman, M. P. (2004). Strengths of Character and Well-being. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 23, 603-619.
- Pearce, A.R., Chuikova, T., Ramsey, A., & Galyautdinova, S. (2010). A Positive Psychology Perspective on Mate Preferences in the United States and Russia. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 41(5-6) 742-757.
- Peterson, C., & Seligman, M. P. (2004). *Character strengths and virtues: a handbook and classification*. Washington, DC: American Psychological Association & Oxford University Press, Inc.
- Prager, K., Shirvani, F., Poucher, J., Cavallin, G., Truong, M. & Garcia, J. (2015). Recovery from conflict and revival of intimacy in cohabiting couples. *Personal Relationships*, 22(2) 308-334.
- Preacher, K. J., & Hayes, A. (2004). SPSS and SAS procedures for estimating indirect effects in simple mediation models. *Behavior Research Methods, Instruments, & Computers*, 36 (4) 717-731.
- Rahim, M. A. (2002). Toward a theory of managing organizational conflict. *The International Journal of Conflict Management*, 13(3) 206-235.
- Rahim, M. A., Buntzman, G. F. (1999). An empirical study of the stages of moral development and conflict management styles. *The international journal of conflict management*, 10(2) 154-171.
- Rahim, M. A., Kaufman, S., & Psenicka, C. (2004). A Model of the Styles of Handling Conflict, Marital Satisfaction, and Instability. IACM 17<sup>th</sup> annual conference Paper: Washington University.
- Ramos, S. L. (2015). The negative reciprocity process in marital relationships: A literature review. *Aggression and Violent Behavior*, 24, 113-119.
- Sadeghi, M. S. (2010). *Marital Interaction Patterns in Iranian Culture and the Effectiveness of Culture-Based Communication Skills Training on Enhancing Marital Adjustment in Distressed Couples*. Doctoral Thesis in Psychology, Shahid Beheshti University [in Persian].
- Sarmad, Z. (2000). [Moderator and Mediator Variables: Conceptual and Strategic Distinctions]. *Psychological Research*, 5(3-4) 63-80 [in Persian].
- Schneewind, K. & Gerhard, A.K. (2002). Relationship Personality, Conflict Resolution, and Marital Satisfaction in the First 5 Years of Marriage. *Family Relations*, 51, 63-71.

- Seligman, M. E. P. (2002). *Authentic Happiness: Using the New Positive Psychology to Realize Your Potential for Lasting Fulfillment*. New York, NY: Free Press.
- Seydi, M., Pourebrahim, T., Bagherian, F., & Mansour, L. (2011). [Relation between families's Spirituality and its Resilience, with mediation of Quality of communication in the family]. *Journal of Psychological Models and Methods*, 2(5) 67-84 [in Persian].
- Shi, L. (2003). The Association between Adult Attachment Styles and Conflict Resolution in Romantic Relationships. *The American Journal of Family Therapy*, 31, 143-157.
- Sierau, S., & Herzberg, P.Y. (2012). Conflict Resolution as a Dyadic Mediator: Considering the Partner Perspective on Conflict Resolution. *European Journal of Personality*, 26, 221-232.
- Sillars, A. L. (1980). Attributions and communication in roommate conflicts. *Communication monographs*, 47, 180-200.
- Steen, T. A. (2003). Is character sexy? The desirability of character strengths in romantic partners. Doctoral Dissertation. Available from ProQuest Dissertations and Thesis database. (UMI No. 3079534).
- Straus, M. A. (1979). Measuring intra-family conflict and violence: The conflict tactics (CT) scale. *Journal of marriage and the family*, 41(1) 75-88.
- Tabares, A., Gottman, J.M. (2003) A Marital Process Perspective of Adolescent Romantic Relationships. In P. Florsheim (Ed.), *Adolescent romantic relations and sexual behavior: Theory, research, and practical implications* (pp.337-354). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- Tabik, M., Ghorbani, N., & Rezazade, S. M. (2013). [The relation of Religious motivation and self-knowledge with moral virtues]. *Journal of Islam & Psychology*, 7(12) 135-148 [in Persian].
- The National Organization for Civil Registration of Iran (2015). [www.sabteahval.ir](http://www.sabteahval.ir) [in Persian].
- Toussaint, L., Worthington, E., & Williams, D. R. (Eds.). (2015). *Forgiveness and Health: Scientific Evidence and Theories Relating Forgiveness to Better Health*. New York: Springer.
- Valerie, F. W., & Paul, A. B. (2008). Predicting interpersonal conflict resolution styles from personality characteristics. *Personality and Individual Differences*, 45, 126-131.
- Weber, M., Ruch, W. (2012). The role of character strengths in adolescent romantic relationships: An initial study on partner selection and mates' life satisfaction. *Journal of Adolescence*, 35, 1537-1546.
- Weston R., & Gore, Jr. P. (2008). A Brief Guide to Structural Equation Modeling. *The Counseling Psychologist*, 34(5) 719-751.
- Wilcox, W. B., & Wolfinger, N. H. (2008). Living and Loving "Decent": Religion and Relationship Quality among Urban Parents. *Social Science Research*, 37(3) 828-843.
- Zarei, A., Falahchai, R., & Haghghi, H. (2011). [Comparison of styles of conflict resolution between satisfied couples, conflicting couples and couples about to divorce]. *Journal of Psychology & Education*, 41(1) 71-88 [in Persian].
- Zhang, Q. (2007). Family Communication Patterns and Conflict Styles in Chinese Parent-Child Relationships. *Communication Journal*, 55(1) 113-128.